



**رقیه توسلی:** بگویم نسل اندر نسل پرورده کرم شماییم و دلیسته خاندان کریمتان یا علی جان؟ از مشهد و ملائکه و طواف بگویم؟ بگویم صبح‌ها تا دست ادب بر سینه نگذارم، خیر نمی‌شود روزم؟ که بعدها را خط نمی‌زنید؟ بگویم ایمان دارم به نگاهی که بذل می‌فرمایید میان مریدان؟ که نفس تازه می‌کنم با تماشای گنبد نورتان؟ بگویم بسا پر کیوتران سجده‌ام هربار می‌آیم تا به خراسان؟ از دست و دلبازی امامی که زشت‌ها را زیبا می‌کند و حال خراب را مهربان، چطور؟ بگویم از پنجره طلایی بهشت؟ از خریداری که دردهای بزرگ می‌خرد و ضمانت نامه می‌دهد؟ بگویم چقدر معجزه ریخته توی نام و نگاهتان؟ گوش‌ها را تیز می‌کنم...خانجام می‌گوید: سایه سرید...عزیز می‌گوید: السلام علیک یا امین الله فی أرضه. آقا جان می‌گوید: خوشا جانی که جانانش تو باشی...عمه می‌گوید: اگر شاعر بود از باب الرضا، دیوان‌ها داشت. خاله اما هیچ نمی‌گوید. بی اختیار هربار سد چشم‌هایش را مشهد می‌شکند. گوش‌ها را تیز می‌کنم... پدر بزرگ می‌گوید: زوار که بر نمی‌گردند. کسی که بیاید پای‌بوس آقا، دلش را جا می‌گذارد در حرم. نمی‌تواند دوباره همان خود زیارت نکرده‌اش باشد و راهی شود. عشق دامنگیر است. خاک توس می‌شود کوی و آبادی و زادگاهش. دلباخته می‌شود آن هم نه با یک دل. آخر آدمیزاد دانا از دیاری که عطر خدا بدهد پاشنه ور بکشد به کجا؟

خاطره یک زائر از جمهوری آذربایجان

بافتنی‌هایم را فروختم  
تا به زیارت بیایم

یک نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس پاسخ می‌دهد

چرا آثار مکتوب رضوی  
روی پرده سینما نمی‌آیند؟

روایتی از ارادت مردم جمهوری آذربایجان به ثامن الحجج (ع)

در لحظه جدایی از امام رضا (علیه السلام)  
انگار یتیم می‌شدم...

## عشق و ارادت تعطیل نمی‌شود

روایت‌هایی از تلاش‌های جهادی در دوران کرونا



روایت اول

پاداش کار جهادی

**افزاد آگاه:** برای جهادی بودن و جهادی کار کردن، لازم نیست حتماً توانش را داشته باشی که خودت را برسانی مثلاً به مناطق محروم و در گرمای طاقت‌فرسا یا سرمای استخوان‌سوز به داد محرومان و بلادیگان برسی. گاهی اگر فرصت نمی‌شود، اگر توانش را نداری، می‌شود در همان جایی که هستی و زندگی و کار می‌کنی، جهادی رفتار کنی. یک نمونه‌اش «مصطفی بیات» نویسنده و کارگردان تئاتر که فکر کنم آخرین کار تئاتری‌اش را برای کودکان (شهر گریه‌ها و بچه‌ها) دی ماه سال گذشته روی صحنه برد. با آمدن کرونا و به هم ریختن همه چیز، «بیات» شاید از اولین تئاتری‌هایی بود که با روحیه و تفکر جهادی، سراغ پوشش «تئاتر تعطیل» نیست رفت و نوعی از هنرمندی جهادی را به نمایش گذاشت.

شاید در بوجوه گرما و بلکه داغی اخبار کرونایی چیزی از این پوشش نشنیده باشید، اما از اسفند سال پیش، مصطفی بیات و تماشاخانه «سرو» میزبان این پوشش شدند. ماجرا هم از کمیود و گرانی ماسک در روزهای نخست کرونا شروع شد و اینکه «بیات» به فکر افتاد با پارچه‌هایی که برای تئاتر در اختیار داشت و تنها چرخ خیاطی خانه‌اش، شروع به تولید ماسک کند. وقتی هم ماسک‌ها را آماده کرد، در فضای مجازی فراخوان داد که مثلاً هر کس به ماسک نیاز دارد سفارش بدهد تا به صورت رایگان آن را برایش تهیه کنیم. خیلی از افراد از جمله پرستاران، آتش‌نشانان، کارمندان مترو، رفتگران شهرداری، پلیس راهنمایی و رانندگی و مردمی که مشکل تنفسی داشتند، متقاضی دریافت ماسک شدند و بعد هم مسئول تماشاخانه «سرو» که از ماجرا باخبر شد، پشتیبانی از ادامه کار را به عهده گرفت و خیلی زود پوشش به راه افتاد... و بقیه ماجرا. این کار تا سال ۹۹ هم ادامه پیدا کرد در حالی که «مصطفی بیات» واقعاً از جمله کسانی بود که حرفه هنری‌اش بیشترین ضربه‌های اقتصادی را از کرونا خورده بود.

حالا و در هفتمین روز از دهه کرامت که به نام «تشکل‌های مردمی جهادگران خدمت و سلامت» نام‌گذاری شده، اگر دنبال این هستید که سرانجام تلاش‌های آن روزهای «بیات» به کجا انجامید، حرفه‌هایی را که او دیروز به خبرنگار «فارس» زده بخوانید تا از حال و هوای این روزهایش باخبر شوید. «تقریباً یک ماه پیش فعالیت در عرصه تولید ماسک را به پایان رساندیم، اما در همین دوره تصمیم گرفتیم یک تولیدی مانتو و لباس با دوستان تئاتر راه بیندازیم... خدا خواست که مشغول به کار خیاطی شویم، دوستان راه بیفتند.

پس از سه ماه تکه پارچه‌هایی در خانه داشتیم که آن‌ها را تبدیل به مانتو کردیم و از قضا هم خیلی قشنگ شد. خلاصه آموزش‌هایی هم دیدیم تا بتوانیم کار را از اصولی‌تر انجام دهیم و الان هم پیگیر کارگاه هستیم... جایی را اجاره و چرخ خیاطی‌هایی را هم تهیه کرده‌ایم... تصمیم داریم این چرخ‌ها را به کارگاه منتقل و شروع به کار کنیم. خدا پاداش کار خیر ما را این طور داد که بتوانیم کسب و کاری راه بیندازیم... در تهران ملک و منازه خیلی گران است و امکانش برایمان نبود، به خاطر همین به حاشیه تهران آمدمیم تا ارزان‌تر ششود... واقعیت این است که در زمینه کار تئاتر تا انتهای امسال همه چیز بلاتکلیف است، حتی همین کارهایی که قرار است اجرا شوند هم مخاطب زیادی نخواهند داشت و فرمالیته هستند؛ روی همین حساب گفتیم تا آخر امسال کار تولیدی‌مان را به نتیجه برسانیم و بعد با دست پرت به تئاتر برگردیم... به هر حال ما چرخ خیاطی داریم و هر چیزی می‌توانیم تولید کنیم، از مانتو و شلوار تا برسیم به چیزهای دیگر...»

روایت دوم

کرونا نجاتم داد

خانم «سهیلا خسروی» اهل کرمانشاه، یکی از زنانی است که تجربه چندین ساله مدیریت یک خیریه را دارد و در نوجوانی هم در زمینه پشتیبانی جنگ بسیار فعال بوده است. او با بورس کرونا به کشورمان، از نقش‌آفرینی در زمینه جهاد سلامت هم غافل نشده و در قرارگاه جهادی این استان مشغول به فعالیت شده. خواندن خاطره‌ای از فعالیت‌های جهادی‌اش در ماه‌های اخیر، خالی از لطف نیست: «من از روزهای اول شکل‌گیری این قرارگاه جهادی اینجا هستم، بعضی وقت‌ها هشت

اهمیت فعالیت‌های تشکل‌های مردمی در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام عبدالملکی، مسئول گروه جهادی الکفیل

## کارکرد گروه‌های جهادی تراز کردن کم‌کاری مسئولان است

علیرضا بهدانی متفاوت‌ترین آثارش را در «جلوه عشق» به نمایش گذاشت

## آرزو دارم قرآنی مختص امام رضا (علیه السلام) کتابت کنم

عکس: فرزانه میرزایی

مجاز آباد

تازه فهمیدم آقا چقدر دوستم داره

مهدی رحمتی دروازه‌بان باشگاه شهر خودرو، همزمان با ایام مبارک دهه کرامت، تصویری از خودش در حرم امام رضا(ع) از زاویه‌ای خاص را منتشر و به مخاطبانش اعلام کرد برای حاجاتشان دعا کرده است. دروازه‌بان سابق استقلال در اینستاگرام نوشته است: «یک شب به یاد ماندنی برای من تا آخر عمرم. دیشب تازه فهمیدم آقا چقدر دوستم داره. برای همه شما عزیزان هم دعا کردم که حاجت دلتون رو بده».

عذر خواهی برای گلوله‌ای که به هدف نخورد!

شهید سید محمد امیری مقدم، آربی‌جی‌زن یکی از گردان‌های لشکر حضرت رسول(ص) بود که در ۲۷ عملیات‌های ناموفقش دو عدد از گلوله‌های آربی‌جی ۷ را به سمت هدف شلیک کرد اما موفق به آسیب رساندن به دشمن نشد. این شهید بزرگوار، پس از عملیات، در ۱۷ اسفند ۶۴، مبلغ ۴ هزار ریال از حقوقش را به سپاه بازگرداند. چند روزی است که تصویری از قبض حقوقی این شهید در فضای مجازی دست به دست می‌شود و حسابی مورد استقبال اهالی آن قرار گرفته است. شهید امیری مقدم در این قبض پرداختی، ضمن عذرخواهی از مردم و سپاه، از آن‌ها بابت از دست رفتن دو گلوله آربی‌جی حالیست خواسته و درخواست کاهش حقوقش را مطرح کرده است.

به نفع مردم نیست

علیرضا زاکانی، نماینده منتخب مردم در مجلس یازدهم، در واکنش به اقدام برخی نمایندگان مبنی بر جمع‌آوری امضا برای استیضاح هیئت رئیسه مجلس، مطلبی را در حساب توییتری خود منتشر کرده و به آن معترض شد. زاکانی در توییت نوشته است: «استیضاح هیئت رئیسه مجلس، فارغ از استنادات آیین‌نامه‌ای آن، منطق قوی و شایسته‌ای ندارد. هیئت رئیسه یک‌ساله است و پس از یک ماه، قضاوت درباره عملکرد آن بسیار زود است و این اقدام به نفع مردم، نمایندگان و کلیت مجلس یازدهم نیست».

فتنه در لبنان

صفحه اینستاگرام لیبائیران با انتشار پستی در زمینه آشوب‌های اخیر در کشور لبنان، از پشت پرده‌های این اغتشاش‌ها پرده‌برداری کرد. این کنال تلگرامی نوشته است: «اگر بگویم اغتشاشگرانی که در مناطق تجاری توریستی بیروت دست به اغتشاش و تخریب زدند، از طرف کشورهای خارجی حمایت می‌شدند شاید زیاد تعجب نکنید. وزیر کشور لبنان گفته است در تحقیقات ما مشخص شد ۵ میلیون دلار برای این پروژه پرداخت شده بود، اما مهره اصلی که باید فتنه را به راه می‌انداخت فقط ۱۰۰ هزار دلار خرج کرد و بقیه را در جیب گذاشت! جالب است بدانید بازداشت‌شدگان، سودانی، سوریه‌ای، فلسطینی و لبنانی هستند».





نگاهی به جایگاه حضرت رضاع) در باور خراسانی

### شمس‌الشموس



توالی و تکرار آیین‌ها و باورها(به‌ویژه تعیّشان در قالب یک شخصیت یا یک آیین خاص) در ناخودآگاه جمعی جوامع، چارچوب و پس‌زمینه‌ای را شکل می‌دهد که رد آن را می‌توان در بسیاری از تجربه‌های پس از آن، پی گرفت. این اتفاق که می‌توان از آن به عنوان «آرک‌تاب»، «کهن نمودگ» یا «کهن‌الگو» یاد کرد، پنجره‌ای به ذهن و ضمیر جامعه باز می‌کند؛ پنجره‌ای که می‌توان از آن، به سیاست‌راه‌ی‌نگریست که چارچوب‌های جهان‌بینی جوامع و اجزا و ابعاد شخصیتشان را می‌سازد. جوامع بشری هم مثل هر کدام از آدم‌ها، شخصیتی دارند که اجزای اصلی آن، عمدتاً در روزگارن پیشین شکل گرفته است. همچنان که نخستین آموزه‌ها در سال‌های طفولیت، در ذهن و ضمیر کودکان نقش می‌بندد و زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیتشان در همه سال‌های بعد از آن خواهد بود. جوامع بشری هم عمده نگاه و نگرششان را از رهگذار باورهای به دست آورده‌اند که در «صبح زبان و فرهنگ و تاریخ» به آن معتقد بوده‌اند. از این منظر توجه به جهان‌بینی و نحوه نگاه جوامع به رویدادهای گوناگون، می‌تواند ما را به ناخودآگاه جمعی جوامع و کهن‌الگوهایی که در آن نقش بسته، برساند.

\*

حضرت رضاع) هشتمین امای شیعیان، در سال ۲۰۱ قمری، به مکر و جبر مأمون، خلیفه غاصب عباسی، در سفری هشت ماهه از مدینه به مرو آمدند تا به ظاهر، مقام ولایتعهدی را عهده‌دار شوند. حضور حضرت رضاع) در جغرافیای خراسان(با احتساب بخشی از روزهای سفر) کمی بیش از دو سال به طول انجامید. این سفر بی‌بازگشت، سرانجام با شهادت آن حضرت و به خاک سپرده شدن پیکر مطهر ایشان در خاک خراسان، به ظاهر پایان یافت؛ اما سراسر آغاز شکل‌گیری جریانی فراینده از عشق به اهل‌بیت(ع) و سرسپردگی به تعلیم اصیل اسلامی نیز بود. به‌زودی قبر مطهر حضرت رضاع) زیارت‌گاه خراسانی‌ها شد.

خراسان که از عهد کهن، سرزمینی دانسته می‌شد که خورشید از آنجا برمی‌آیند، حالا در مصداقی تازه، یادآور همان باورهای کهن شده بود. خورشید دین و دانش، حالا در خاک خراسان قرار داشت و هم از این رو، خراسانی‌ها، قبر مطهر ایشان را همچون نگینی درخشان دربرگرفتند و در طول قرن‌ها، عشق و ارادتشان را در قالب زیباترین هنرها در صحن و سرای آن حضرت به نمایش گذاشتند.

عناوین و القای که خراسانی به آن حضرت داده‌اند نیز همین ارادت دیرینه را نشان می‌دهد. مثلاً عنوان «شمس‌الشموس»، مثل بسیاری از عناوین دیگر آن حضرت، ریشه روایی ندارد<sup>۱</sup> و عمدتاً ساخته و پرداخته ذهن و ضمیر و ناخودآگاه جمعی خراسانی‌هاست و البته یادآور ساختارهای ذهنی‌ای که جهان‌بینی این مردم را شکل می‌دهد.

اتفاق دیگری هم هست که نشان می‌دهد خراسانی‌ها، در آینه وجود مقدس حضرت رضاع) باورهای کهنیشان را به تماشا نشسته‌اند. به اذعان تاریخ، نخستین گنبدی که در جمع مزارات مقدسه شیعه طلاکاری شد، گنبد منور بارگاه حضرت رضاع) بود. این گنبد در عهد صفوی، نخست به دست شاه‌تهماسب و سپس به دست شاه‌عباس با خشت‌های طلا مزین شد؛<sup>۲</sup> و پس از آن بود که باز به دست ایرانی‌ها، در روزگار افشاریه و قاجاریه، طلاکاری گنبد، به عنایت عالیات راه یافت و بارگاه مطهر حضرت سیدالشهدا(ع) و برادر باوفاایشان، طلاکاری شد.. اما چرا طلا؟ زیرا در باور کهن ایرانی‌ها، طلا آتشک خورشید روی زمین است. پدران و مادران ما طلا را به آفتاب نسبت می‌دادند و اعتقاد داشتند که بر اثر حرارت آفتاب در بعضی زمین‌ها حاصل می‌شود.<sup>۳</sup>

در این میان، گنبد(به عنوان نماد آسمان روی زمین، در کنار مکعب به عنوان نماد سازهای مقدس) هم اساساً ایرانی(درست‌تر متعلق به تمدنی که در گستره ایران غربی و حوزه میان‌رودان) است و از معماری ایرانی به معماری اسلامی و از آنجا به معماری اروپا راه یافته است.<sup>۴</sup> جالب آنکه یکی از نخستین تلاش‌های معماران ایرانی برای ساخت گنبد در خراسان، در حوالی مشهد در «چارطاقی بازه‌مور» صورت گرفته است که البته ارتباط شناخته‌شده‌ای هم با خورشید دارد.<sup>۵</sup>

ایرانی‌ها گنبد را به عنوان نمادی از نیمکره آسمان روی زمین، خلق کردند و درست به همین خاطر، همه گنبدها، با کاشی‌های آبی یا فیروزه‌ای(و گاه به تأسسی از سنت اسلامی، سبز) تزئین می‌شوند. در این میان یک استثنا وجود دارد و آن گنبد منور بارگاه حضرت رضاع) است. حتی دیگر گنبدهایی که در همین بارگاه مطهر وجود داشته و دارد، مثل گنبد مسجد گوهرشاد، همچنان فیروزه‌ای است و طلاکاری نشده است.

نیز بر خلاف سنت مشاهد مقدسه که رسم است زائران، از پایین پا وارد شده و از بالاسر، خارج شوند، نخستین ایوانی که در حرم مطهر رضوی بنا شده، نه در ضلع پایین، بلکه در ضلع پشت سر، بنا شده؛ جایی که به خاطر موقعیت حرم مطهر، بیشتر و بیشتر از دیگر اضلاع، آفتاب‌گیر است. جالب آنکه باز نخستین ایوانی که در این صحن و سرا طلاکاری شده، همین (ایوان امیر علیشیر) است. نیز پنجره بولاد در همین ضلع و در کنار همین ایوان قرار دارد.

به این همه البته اتفاق ساری و جاری دیگری را هم می‌توان افزود؛ هنوز هم هر روز، درست دقایقی مانده به طلوع آفتاب و دقایقی پیش از غروب آن، در بارگاه منور حضرت رضاع) در سنتی کهن، نقاره می‌زنند. .

#### منابع و پی‌نوشت

- این عبارت در منابع شیعه، نخستین بار در «مصباح کفعمی»، نزدیک به ۷۰۰ سال پس از شهادت حضرت رضاع) ذکر شده است.
- مقاله طلاکاری گنبد حرم امام‌رضاع) بهزاد نعمتی/ فصل‌نامه آستان هنر/ پاییز و زمستان ۱۳۹۱
- باورهای عامیانه مردم ایران/ صفحه ۸۰۹/ دکتر حسن ذوالفقاری با همکاری علی اکبر شیر/ تهران نشر چشمه ۱۳۹۴
- ویکی‌پدیا، لیدل واژه گنبد
- مقاله «بازره هور» قدیمی‌ترین گنبد جهان/ گیسو قائم/ منتشر شده در نخستین همایش فناوری و سازه‌های سنتی با محور گنبدها در سال ۱۳۹۲

علیرضا بهدانی متفاوت‌ترین آثارش را در «جلوه عشق» به نمایش گذاشت

# آرزو دارم قرآنی مختص امام رضا علیه السلام کتابت کنم

**ادب و هنر/** اصبا کریمی | تأثیر حضور امام‌رضاع) بر هنر و فرهنگ این سرزمین انکارناپذیر است، به گونه‌ای که ردپایی که درخشان از کرامات حضور ایشان در جای جای این سرزمین و بر پهنه ادبیات و هنر دیده می‌شود، از نقاشی ایرانی، پرده‌خوانی، مینیاتور، نگارگری و عکاسی گرفته تا ورود به عرصه ادبیات، خلق شعر و داستان‌های متنوع با محوریت امام‌رضاع) و روایت‌های متناسب به ایشان که اتفاقاً دستمایه خلق آثار ارزشمندی همچون تابلوی معروف «ضامن آهو» اثر استاد فرشچیان شده است و در نهایت تأثیر آن بر هنر معماری و خلق حرم عظیم و بی‌بدیل رضوی غیرقابل چشم‌پوشی است و هر گوشه‌ای از فرهنگ و هنر وامدار نام مبارک امام هشتم(ع) است.

شاید کمتر کسی نام علیرضا بهدانی را نشنیده باشد. هنرمندی که به رکوردشکنی‌هایش در عرصه هنرهای تجسمی و خوشنویسی شهرت دارد. از کتابت بیش از ۵۰ کلام‌الله مجید تا نگارش بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین قرآن طلا و بزرگ‌ترین نهج‌البلاغه مطلا که بازتاب بین‌المللی بسیاری هم داشته است.

تازه‌ترین نمایشگاه او با عنوان «جلوه عشق» از شنبه گذشته در نگارخانه رضوان برگزار شده و تا پنجشنبه میزبان علاقه‌مندان است. آثار بهدانی در نمایشگاهش این بار رنگ و بویی عاشقانه‌تر در مدح و منقبت حضرت امام‌رضاع) دارد. او معتقد است: این نمایشگاه یکی از متفاوت‌ترین کارهایی بوده که تا به حال برای حضرت رضاع) انجام داده است.

با این هنرمند به پنهان برپایی جدیدترین نمایشگاهش و حال و هوای او از خلق اثر به نام مبارک امام‌هشتم(ع) و آرزوهایی که در دل دارد، به گفت‌وگو نشستیم؛ که در ادامه می‌خوانید.

♦ **نگارخانه رضوان امسال کار خود را با نمایش آثار شما در دهه کرامت آغاز کرده است. قدری درباره تازه‌ترین آثار خود در این نمایشگاه توضیح دهید.**

در سال جاری و به دلیل شیوع ویروس کرونا تقریباً فعالیت تمام گالری‌ها تعطیل و هیچ نمایشگاهی برگزار نشده بود، اما به مناسبت دهه کرامت یک نمایشگاه نقاشی خط برپا شده و من این توفیق را داشتم که آثار این نمایشگاه را خلق و اولین نمایشگاه امسال را در نگارخانه رضوی برپا کنم

در این نمایشگاه ۵۰ تابلوی نقاشی خط دارم که برخلاف نمایشگاه‌های قبلی که بیشتر متشکل از احادیث امام‌رضاع) و آیات، روایات و سخنانی درباره حضرت بوده، این بار اسا مضمون آثار را غزل‌وار انتخاب کرده‌ام و تمام تابلوها اشعار غزل‌سراییانی است که درباره امام‌رضاع) شعر سروده‌اند. من هم به سلیقه خود از این اشعار یک بیت را انتخاب و در یک قالب هنری آن را تصویر کرده‌ام.

### پنجره فولاد

خاطره یک زائر از جمهوری آذربایجان

## بافتنی‌هایم را فروختم تا به زیارت بیایم



نمود که بتوانیم به مشهد سفر کنیم. درآمد خوبی نداشتیم و من خودم هم آن سال‌ها کار می‌کردم و در خانه بافتنی می‌باฟتم و می‌فروختم. پول آن بافتنی‌ها را جمع کردم تا اینکه پس از ۶ سال توانستم با خانواده‌ام به مشهد بیایم.

#### این بار مادر و دخترم هم در سفر همراه بودند

این سفر حدود ۱۴ سال بیش برای ما میسر شد که تازه گوشه‌های موبایل آمده بود و ما با گوشی‌مان در حرم عکس انداختیم. یکی از عکس‌ها را چاپ کردم که اکنون در برادر اتاق جاکشود کرده و همیشه خاطره خوش آن سفر را برایمان زنده می‌کند. هر وقت به آن عکس نگاه می‌کنم یاد مشهد امام‌رضاع) می‌آفتم و حالم منقلب می‌شود.

سکوت بارگاه خانیان را نگه کردم.

هیروس کرونا و رعایت نکات بهداشتی، نمی‌توانند به مشهد بیایند، اما دل او همچنان می‌تپد.

«کونو همه دنیا از جمله ایران و ترکیه درگیر بیماری کروناست و دست ما شمشیر ترکیه از زیارت امام‌رضاع) کوتاه است. بچه‌های من در سفرهای قبلی کوچک بودند و خاطرات چندانی از مشهد ندارند و حالا که بزرگ شده‌اند مشتاق سفر به مشهد هستند. دعا می‌کنم به‌زودی شرایط جهان به حالت طبیعی بازگردد تا زیارت مشهد و امام‌رضاع) نصیب من، خانواده و همه شیعیان و دوستداران حضرت شود.

امیدوارم همه کسانی که در مشهد زندگی می‌کنند و می‌توانند به حرم مطهر و زیارت اسام رؤفان بروند، نایب‌الزائر همه ما باشند».



عکس: فرزانه میرزایی

مذهبی بیشتری هم دارند و علاقه وافر به این هنر نشان می‌دهند. البته در کنار این علاقه اگر زیبایی بیشتری هم ببینند قطعاً می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد.

♦ **مشهد یکی از قطب‌های مذهبی است و بی‌تردید هنر ایرانی متأثر از برکات حضور امام‌رضاع) بوده و آثار ارزشمندی همچون «ضامن آهو» اثر استاد فرشچیان و نقاشی‌های قهوه‌خانه مشهوری به این واسطه خلق شده است. به نظر شما در این میان هنر چقدر دین خود را به حضرت ادا کرده است؟**

به مواردی که شما اشاره کردید، کتیبه‌های حرم که شهره عام و خاص است، آینه‌کاری‌ها و کاشی‌کاری‌های حرم رضوی را هم اضافه می‌کنم.

شما در هر گوشه‌ای هنر را می‌بینید که در خدمت امام‌رضاع) بوده و یک جلسه‌ای از زیبایی را به تصویر کشیده است. وقتی کسی می‌خواهد چیزی را عنوان کند در قالب هنر زیباتر بیان می‌شود. من هم به عنوان یک هنرمند این مفاهیم را در قالب نقاشی خط نشان داده‌ام. شاید جالب باشد بدانید من نفروش‌ترین هنرمند خراسان هستم و آثار زیادی تولید می‌کنم و البته در مقابل هیچ اثری را هم نمی‌فروشم و اغلب آثارم را هدیه می‌دهم و هر کسی بنا به وسع و توان مالی‌اش مبلغی پرداخت می‌کند و شاید خیلی از افراد پولی هم بابت آن اثر نپردازند. این اعتقاد قلبی من است و حالم با آن خوش است. از طرفی دیگر به دلیل اینکه آثار من از تنوع بسیار بالایی برخوردار و مطابق با سلیقه مردم است و خلاقیت و تنوع در آن‌ها دیده می‌شود، به جرئت می‌توانم بگویم آثاری باقی

### حاشیه‌کتاب

یک نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس پاسخ می‌دهد

## چرا آثار مکتوب رضوی روی پرده سینما نمی‌آیند؟

**مهديه قمری:** اقتباس‌های سینمایی از آثار ادبی از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این دو هنر با هم‌رای یکدیگر می‌توانند در ارائه محصولی بهتر به مخاطب کمک کنند. تصویر تلویزیونی یا سینمایی وقتی بر پایه یک اثر ادبی ساخته شود، قطعاً ساختار محکم‌تری پیدا می‌کند و از طرفی اثر ادبی می‌تواند با کمک تصویر در اختیار گستره وسیع‌تری از مخاطب قرار بگیرد.

اقتباس‌های سینمایی و یا ابزار تصویر اگر در خدمت ادبیات‌رضوی و یا ادبیات دینی قرار بگیرند می‌توانند با حلقه بیشتری از مخاطب ارتباط برقرار کنند و نویسندگان این آثار را به مقصود ذهنی‌شان که خوانده شدن و تأثیرگذاری است، برسانند.

در ایران اقتباس از آثار ادبی به دلایل بسیاری کمتر مورد استفاده فیلم‌سازان قرار گرفته، بنابراین از ابزار تصویر برای ترویج متون دینی و رضوی کمتر استفاده شده است.

حمیدرضا سهیلی، فیلم‌نامه‌نویس، نمایش‌نامه‌نویس و نویسنده چنداثر با محوریت امام‌رضاع) معتقد است: دلایل عدم‌استفاده از متون رضوی به دلیل عدم حمایت و خواست دست‌اندرکاران و مسئولان است. اگر این حمایت باشد حتماً آثار بیشتری ساخته خواهند شد، البته قدرت قلم نویسنده در توجه سینماگر به اثر ادبی مؤثر است که این مسئله با خوانده شدن اثر، توسط فیلمساز میسر می‌شود. نویسنده «بوی بهشت» معتقد است: پرداختن به مقولات دینی و مذهبی در ابتدا نیاز به اعتقاد و شناخت و در مرحله بعد نیاز به حمایت و هدایت دارد. اگر مرحله نخست یعنی همان باور و اعتقاد در هنرمند جاری و ساری باشد، می‌تواند دست به خلق آثار ادبی خوبی بزند که اگر این آثار با حمایت همراه شوند، با اقبال جامعه مواجه می‌شود.

سهیلی ادامه می‌دهد: باید بپذیریم پسند تماشاگران به سمت و سویی سوق پیدا کرده که باید این سلیقه را ارتقا داد. برای ارتقا دادن سطح سلیقه مخاطب هزینه‌هایی باید

انجام شود و چه بهتر این هزینه در اختیار کسانی قرار گیرد که از اعتقاد و شناخت بهتری برخوردار هستند.

#### بودجه در اختیار افرادی خاص

این هنرمند و نویسنده با بیان اینکه بودجه‌های نوشتن آثار ادبی در اختیار افراد خاصی قرار می‌گیرد، توضیح می‌دهد با نگاهی به آثار ساخته شده به ویژه در مورد امام‌رضاع) بر این باورم بودجه تولید این آثار در اختیار افراد خاصی قرار می‌گیرد که با رابطه‌هایی خاص موفق

به دریافت این بودجه‌ها شده‌اند و به همین دلیل محصولات تولید شده، آثار در خور توجهی نبوده است.

وی ادامه می‌دهد: فیلم‌سازان خوبی در مشهد هستند و بعضاً شاهد درخشش آن‌ها در زمینه فیلم‌سازی هستیم، اما

نمانده که خواهان نداشته باشد و همه آن‌ها روی دیوار خانه‌های مشتاقان نصب است.

#### پس مردم به این آثار علاقه دارند و از آن استقبال می‌کنند؟

بسیار زیاد! من به طور میانگین روزی سه چهار اثر تولید می‌کنم که همه آن‌ها هم به فروش می‌رسد و این کاملاً نشان از علاقه‌مندی مردم به این شکل از هنر با رنگو بوی مذهبی دارد.

#### متفاوت‌ترین کاری که تا به حال برای امام‌رضاع) انجام داده‌اید، چه بوده است؟

در حال حاضر همین نمایشگاه است که متفاوت‌ترین کار من برای حضرت بوده و ایسن بار در فضایی عاشقانه و غزل‌وار مدح و منقبت حضرت را به تصویر درآوردم و تابلوه‌ای عاشقانه‌تری را اجرا کرده‌ام. اما یک آرزوی بزرگ دارم: توفیق به من دست داد و تا به حال ۵۵ عدد قرآن نوشته‌ام و در کنار این‌ها بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین قرآن طلای دنیا را هم کتابت کردم، اما این بار می‌خواهم کاری متفاوت انجام دهم. قصدم این است قرآنی را کتابت کنم که مختص حرم و امام‌رضاع) باشد. ممکن است این پروژه با موانعی هم روبه‌رو باشد و برای آن باید توافق‌های زیادی صورت بگیرد.

اما تلاشم این است قرآنی ویژه حرم طراحی شود که مختص همین فضا باشد. مانند قرآن عثمان طه که بسیار معروف است، من نیز قصد دارم یک قرآن رضوی کتابت کنم. قرآنی یکپارچه با خطی شبیه محقق که با رسم‌الخط آسان و خوانا در حرم قرار گیرد و در دسترس همه بوده و شکل و شمایل‌ی امروزی‌تر داشته باشد. این یکی از مهم‌ترین آرزوه‌ایم است و امیدوارم شرایط مهیا شود تا بتوانم آن را عملی کنم.

♦ **شما تا به حال آثار زیادی با محوریت حضرت‌رضاع) خلق کرده‌اید. در طول دوران کار هنری چه تأثیری از حضرت گرفتید و آن را به عنوان یک امر شهودی و حسی دریافت کردید؟**

من همیشه از برکات حضور حضرت رضاع) در زندگی‌ام بهره برده‌ام و برایم مشهود بوده است، اما شاید جالب‌ترین آن اتفاق بود که شب میلاد امام‌رضاع) برای من رخ داد. در حالی که بسیاری از عاشقان حضرت مشتاق حضور در حرم و زیارت هستند، من این توفیق و سعادت را داشتم که در چنین شب مبارکی روی یکی از دیوارهای حرم یک اثر زنده نقاشی – خط اجرا کنم که می‌دانم ممکن است آرزوی هر کسی باشد. در این شرایط مکتونات قلبی انسان با حضرت گره می‌خورد و حال ویژه‌ای به فرد دست می‌دهد. در واقع شاید خیلی مسائل دست به دست هم داد تا اتفاق‌های خوبی برای من بیفتد. من کارهای متفاوتی برای امام‌رضاع) انجام داده‌ام که بی‌تردید از حسن همجواری با ایشان بوده و خدا را شاکرم که توفیق زیادی داشتم که به من این عنایت شده است.

